



مانامه آگاہی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال دهم • شماره ۱۵۹ • ۳۱ سنبله ۱۳۹۵ • 22 • 2016 • September

اجرات مقدماتی محاکم در قضایای مدنی

تتم ونگار شکر بندہ فضایی

ملاقات وزیر عدلیه با آمران مرکز اصلاح و تربیت اطفال

کزارشگر بشیر احمد سعیدی



آمران مراکز اصلاح و تربیت اطفال و لایات با وزیر عدلیه، دیدار و گفتگو کردند. این نشست در چهارشنبه ۱۳۹۵/۶/۳۱، در دفتر کار وزیر عدلیه ج.ا.ا، انجام شد. وزیر عدلیه ج.ا.ا، آمران مراکز اصلاح و تربیت اطفال را متوجه مسوولیتهاشان نموده میگوید: مراکز اصلاح و تربیت اطفال از اهمیت خاصی برای ما برخوردار است؛ در این راستا، مستگین ترین، خطورتین و در عین حال پر بارترین مسوولیت را داریم. مسوولیت ماست تا به وضعیت اطفال تحت حجز رسانیده گی کنیم. وزیر عدلیه از آمران مراکز اصلاح و تربیت اطفال خواست تا به غذا، امنیت، بهداشت، تعلیم و تربیه اطفال تحت حجز، توجه جدی نمایند. در همین حال، آمران مراکز اصلاح و تربیت اطفال، مشکلات و چالشهای موجود در اداره هایشان را با وزیر عدلیه در میان گذاشته و خواهان رسیده گی به این مشکلات شدند. وزیر عدلیه پس از استماع مشکلاتی این آمران به سرپرست ریاست عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال و آمران مراکز اصلاح هدایات لازم سپرده و از سرپرست ریاست عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال خواست که مشکلاتی موجود را یادداشت نماید تا در نشست شورای عالی مراکز اصلاح و تربیت اطفال، مورد بحث قرار گیرد.

قوه قضاییه به عنوان یکی از ارکان دولت می باشد که در تأمین عدالت و انتظام جامعه نقش اساسی و عمده دارد که محور اصلی کار قضارا محاکم به عهده دارند که با بی طرفی و در عین حال با قاطعیت کامل با توجه به احکام قانون به حل و فصل اختلافات می پردازد. در صورت بروز دعوی بین افراد، آنان می توانند به ارگانهای عدلی و قضایی جهت تأمین عدالت و جلوگیری از حق تلفی مراجعه نموده و عریضه خویش را به نهاد های مسزبور تقدیم نمایند. مطابق صصر احدث ماده ۱۸ قانون اصول محاکمات مدنی و قتیکه عریضه به محکمه ذیصلاح تسلیم شد تحریرات محکمه مربوطه عریض و ارده را تسلیم و بعد از ملاحظه رییس محکمه به دفتر مربوطه ثبت می نماید. اگر محکمه مربوطه در رسیدگی قضاییه خود را ذیصلاح تشخیص ننماید قرار رد آنرا صادر می نماید و در صورتیکه این محکمه در رسیدگی به قضیه ارده خود را ذیصلاح بداند اجرات اتی را به عمل می آورد:

- ۱- در محاکمیکه تعداد قضات اصلی یا خدمتی بیش از سه نفر باشد رییس یا معاون محکمه دو نفر قاضی را از جمله قضات باخطر مطالعه مقدماتی قضاییه تعیین و اوراق از طرف تحریرات محکمه بدون تأخیر به هیات موظف قضایی سپرده می شود.
- ۲- در محاکم شهری، ولسوالی، علاقه داری و ناحیوی که تعداد قضات کمتر از سه نفر باشد قضات یا قاضی موجود می تواند مطالعه مقدماتی قضاییه ارده را انجام و در زمینه تصمیم اتخاذ نماید.
- در صورتیکه قضاییای مدنی ارده ایجاد نماید که قیمت و ارزش آن معلوم باشد و با حدود و مساحت آن دقیقاً تعیین شده باشد و یا سایر حالات ضروری نظر به مدعی بها که باید مشخص شود تا موضوع از حالت ابهام بیرون آید، ماده ۱۹۲ قانون اصول محاکمات مدنی در این زمینه چنین حکم می کند: "در صورتیکه رسیدگی در قضایای مدنی ایجاد تثبیت قیمت، تحدید، تعیین انداز، تصفییه یا تشخیص سایر حالات ضروری را در مدعی بها نماید محکمه مطابق احکام فصل دهم باب دوم این قانون اجرات می کند."
- بر حسب متذکر جات ماده ۱۹۳ قانون اصول محاکمات مدنی می توان گفت که اگر محکمه هنگام بررسی تشخیص حالات مدعی بها مستقیماً یا به اثر اظهارات شفاهی طرفین در یابد که کشف جهات اقمی قضیه و رسیدگی عادلانه در ماهیت آن تحلیل بعضی موضوعات دیگر را ایجاد می کند قرار قضایی مدنی بر تحلیل موضوعات مشخص را صادر طبق احکام مواد ۱۷۹ الی ۱۸۲ این قانون اجرات می نماید.

ویژگیهای دعوی

تم ونگار: بشیر احمد سعیدی

- ۴- مدعی و مدعی علیه هر دو باید دارای اهلیت کامل باشند یعنی هر دو باید عاقل بوده و سن قانونی شان را تکمیل نموده باشند پس در این صورت دعوی مجنون و صغیر قابل سمع نیست در صورتیکه مدعی و مدعی علیه عاقل و کامل نباشد در آن صورت باید اولیا و اوصیا شان به صفت مدعی و مدعی علیه قائم مقام شان گردد چنانچه ماده ۷ قانون اصول محاکمات مدنی کشور در مورد صراحت دارد: "طرفین دعوی مطابق به احکام قانون دارای اهلیت قانونی باشند در صورت نقصان یا فقدان اهلیت قانونی و غیابت احکام ولایت، وصیالت و قیمومت قابل اجرا است."
- ۵- حضور مدعی و مدعی علیه است که باید در جلسه قضایی رسیدگی به دعوی حاضر باشند یعنی حل و فصل دعوی بدون حضور خصم در قضا در دست نیست چونکه حکم به غایب شده نمی تواند مگر اینکه نایب وی موجود باشد مانند وکیل، قیم، وصی و متولی و قف.
- ۶- مدعی علیه باید معلوم باشد در صورتیکه مدعی و مدعی علیه را مشخص و واضح معلوم نسازد در آن صورت حکم صورت گرفته نمی تواند زیرا در صورتیکه مدعی علیه مشخص مجهول به الزام چیزی حکم گردد تنفیذ این حکم ممتنع است و جهالت در دعوی هر چند اندک باشد دعوی را فاسد می سازد. ادامه در ص/۲/

اعمال نموده و آن مقام را وادار می کند تا ادعایش را در صورتیکه شرایط معینه قانونی را رعایت کرده باشد مورد غور و واری قرار دهد. به این وسیله این قدرت و صلاحیت قانونی در واقع حق دعوی نمودن را افاده می نماید که قانون گذار به اتباع یک کشور اعطا و آنرا جزء از حقوق فردی او می شناسد.

۲- این دعوی مبین صلاحیت و اختیارات قانونی است که قضا جهت اصدار حکم روی موضوعات ذات البینی دارد یعنی اقتداری است که توسط محکمه در حل و فصل منازعات اعمال می شود.

زیرا مرسوم است که هیچ کس قاضی امور خود شده نمی تواند. این صلاحیت و اقتدار به مقامی تعلق دارد که به غرض تأمین عدالت و رسالتین حق به حقدار از جانب دولت موظف شده است.

۳- این دعوی عبارت از اقتدار است که بر وسیله آن حقوق حامل حق حمایت می گردد یعنی اگر حقوق یک شخص به خطر بی افتد و یا سنازه ای در استعمال حق به میان بیاید شخص ذنجق این صلاحیت و قدرت را دارد که جهت حفاظت و حمایت و تثبیت حق خویش به دولت مراجعه کرده و از ارگانهای ذیصلاح حق خویش را مطالبه نموده و با ارائه ادله قانونی آنرا ثابت نماید.

قبل از اینکه وارد این بحث شویم ابتدا دعوی، اصحاب دعوی و موضوع دعوی را مطابق به قانون مشخص نموده سپس به ویژگیهای دعوی می پردازیم:

طبق ماده پنجم، ششم و هشتم قانون اصول محاکمات مدنی دعوی خواستن حق است از غیر در پیشگاه محکمه شخصیکه حق را می خواهد مدعی و شخصی که حق از او خواسته می شود مدعی علیه است. مدعی بها شی خواسته شده و شامل حقوقی است که قوانین جمهوری اسلامی افغانستان آنرا پیش بینی و موضوع دعوی قرار گرفته بتواند.

دعوی قضایی دارای ویژگیهای است که ذیلا به اشاره می نماییم:

۱- دعوی قضایی اولایک صلاحیت قانونی است که در سیستم حقوقی یک کشور برای احقاق حقوق شهروندان آن سرزمین از سوی مراجع ذیصلاح قانونگذاری لحاظ می گردد. این موضوع بدین مفهوم است که شخصی که به پیشگاه ارگانهای عدلی و قضایی عریضه می کند این قدرت و صلاحیت را از قانون گرفته است که به موجب آن شخص در برابر قضا

ویژگیهای دعوی

آنچه قابل یاد آور نیست اینکه معلوم بودن مدعی کافی است و زمانی که مدعی یا مدعی علیه اشخاص مجهول باشند یعنی قاضی در شخصیت آنان شک داشته باشد لازم است شناسایی آنان از طرف دو مرد یا یک مرد و دو زن به عمل آید.

۷- مدعی بها باید معلوم و معین باشد قابل یاد آور نیست که مدعی بها یا به اشاره و یا به وصف و تعریف شده و مشخص می گردد در این صورت اگر مدعی بها عین باشد و یا هم منقول باشد باید به مجلس قضا حاضر شود در این صورت اشاره کافی است و اگر مدعی بها به دلایل گوناگون در مجلس قضا حاضر نشود در این صورت باید وصف، تعریف و قیمت آن بیان گردد و هم اگر مدعی بها عقار باشد در این صورت حدود آن باید تعیین گردد و اگر مدعی بها از جمله عین باشد که جنس، نوع و وصف آن مختلف باشد در این صورت صرف ذکر قیمت مجموعی آن کفایت می کند نه تعیین قیمت هر کدام آن.

۸- دعوی باید مستحیل الثبوت نباشد دعوی باید احتمال ثبوت را داشته یعنی مستحیل عقلی نباشد به این معنی که مدعی بها باید از نگاه عقل، عادت یا عرف و یا شریعت محتمل الثبوت باشد.

۹- دعوی باید در مجلس قضا یا از راه گردن پس در صورتیکه دعوی در مجلس قضا نباشد و حتی در حضوری قاضی صورت گرفته باشد باز هم دعوی خصوصیات قانونی و شرعی اش را از دست خواهد داد.

در اخیر به این نتیجه می رسیم در صورت بروز منازعه بین افراد آنان می توانند با توجه به ویژگیهای دعوی که در متون فوق ذکر شد موارد متذکره را در نظر گرفته جهت اثبات حقوق شان به ارگانهای عدلی و قضایی مراجعه نموده و از صلاحیت و قدرت قانونی خویش به عنوان تبعه این کشور استفاده نمایند. قضا با مشاهده ادله اثباتیه با در نظر داشتن صلاحیت قانونی خویش می تواند منازعات فی مابین اصحاب دعوی را حل و فصل نموده و عدالت را تامین و حق را به حقدار رساند.

منابع وماخذ:

قانون اصول محاکمات مدنی

رهنمود اجراءات مدنی، گرد آورنده عصمت الله حیدری

اصول محاکمات مدنی، گرد آورنده عصمت الله حیدری

اصطلاحات حقوقی

از خود بیگانه گی: حالت و وضعیت سر درگمی و بی معنی، که باسناد آن در فرد یکنوع احساس به انزوا گرایی و گوشه گیری ایجاد گردیده و اکثر افراد را به طرف مجرمیت سوق میدهد.

از نواج: عقدی که زنگی نمودن باهمی مرد و زن را به مقصد تشکیل خانواده در چوکات شریعت و قانون مشروع گردانیده حقوق و واجبات را برای طرفین بوجود میآورد.

از نواج باطل: از نواجی که خللی در ارکان و یا هم در محل آن بطور آگاهانه وجود داشته باشد، هیچ نوع اثر از نواج صحیح بر آن مرتب نمیکرد.

از نواج بدل: عقد از نواجی که طی آن شخص که زن و یا دختری را که بالای وی ولایت دارد در مقابل اینکه شخص دیگر بالمقابل زن و یا دختری را که تحت ولایت اش قرار دارد برای وی به از نواج بدهد.

از نواج فاسد: از نواجی که ارکان و شرایط آن مکمل بوده اما خللی در شرایط صحت آن وارد شده باشد.

از نواج مستعده: عقد از نواج مؤقت که انعقاد آن به لفظ مستعده یعنی تمتع از زن برای یک مدت معین و یا غیر معین صورت گیرد. این عقد با وجود حاضوری و حضور در آن، مطابق قانون مدنی افغانستان اعتبار ندارد.

اسباب ایاحت: حالات و اسبابی که باوجود آن ها، جرم قابل تعقیب نمی باشد.

اسباب احیای زمین: بین زدن زراعت، احداث بنا، حفراه، استخراج آب و غرس اشجار. (مراجعه شود به احیاء زمین)

اسباب امتناع قصاص: سببی که اگر موجود گردد، بالای قاتل در قتل عمدی، حکم به قصاص صادر نمیکرد.

اسباب امر: اسباب قانونی و موضوعی که امیر بر آن استوار میباشد.

اسباب حرمان وصایت: اسباب شرعی و قانونی که در صورت موجود شدن آن، شخص نمی تواند منحیت وصی قرار گیرد.

اسباب حکم: وسایل اثبات در دعوی، که استناد آن محکمه حکم صادر نماید.

اسباب شفع: اسبابی که به اساس آن حق شفع قانوناً و شرعاً ثابت شده می تواند.

اسباب غیر مترقبه: عواملی که وقوع آنها از قبل پیش بینی نشده باشد.

اسباب موجهه قنیمه: اسبابی که از گذشته وجود داشته و دارای قدرت الزام در اثبات یک حق بوده و سبب انجام یک تصرف شده می تواند.

اسباب میراث: اسباب شرعی و قانونی که به اساس آن یک شخص مستحق میراث میگردد.

استبدال: مبادله کردن یک شی در برابر شی دیگر، بنابر یک عیب و یا هر علت دیگری.

استیترای رحم: طلب پاکي رحم زن، از موجودیت نطفه، بخصوص بخاطر سپری نمودن عدت و فلت و یا طلاق.

استثمار: حصول منفعت مادی و یا معنوی از شخص و یا شی.

استیجار: به اجاره گرفتن چیزی. (مراجعه شود به اجاره)

استجواب: یکی از مراحل تحقیق که در آن مناقشه تفصیلی دلایل و ادله جمع آوری شده نسبت به اتهام وارده بالای متهم صورت میگردد.

استجواب حکمی: روبرو کردن متهم با شهود و متهمین، توسط محقق.

استحاله: تغیر در ماهیت یک چیز (شی)، به نحوی که اعاده آن به حالت اولی (پیشین) ممکن نباشد.

اقرار: اخبار شخص نسبت به حق اغیر بالای خودش در حضور محکمه.

اقرار به بنوت: اثبات نسبت طفل به اعتراف شخص منحت پدر بودنش.

اقرار به جرم: پذیرش انتساب جرم نسبت به خود و قبول ارتکاب جرم در حضور محکمه.

اقرار به مجهول: بیان شخص نسبت به الزام وی از موجودیت حق دینی یا عینی نامعلوم بر ذمه وی در محضر قضاء.

اصول اساسی ...

احکام مواد فوق الذکر را نیلأ مطالعه می کنیم: (۱) در صورتیکه تثبیت سن اشخاص بخصوص در طبقه انات و اطفال در جریان محاکمه ضروری تلقی گردد. و شخص تنکره تابعیت نداشته باشد یا بین سن مندرج تنکره و حالت ظاهری وی تفاوت موجود باشد محکمه نظر داکتر طب عدلی و یا طبیب دیگر را مطالبه می نماید.

(۲) در مواردیکه تعیین سن با اساس نظر داکتر طب عدلی و یا طبیب دیگر با سوابق قضیه و حالات ظاهری شخص مغایر باشد موضوع تعیین مجدد سن را به هیات طبی که کمتر از سه نفر نباشد راجع می سازد.

محکمه می تواند در مورد عقیم بودن زوجه و یا مصاب بودن وی به امر اض صعب العلاج از متخصص نسایی و ولادی و در حال عدم موجودیت متخصص از طبیب، قبله و دایه محلی کسب معلومات نماید.

همچنان قانون به محکمه این صلاحیت را داده است که در دعوی تفریق به سبب عیب زوج راجع به تثبیت عیب و یا مصاب بودن وی با امر اض غیر قابل علاج یا علاج طولی المنبت از متخصص مربوط یا هیات طبی کسب معلومات نماید.

هر گاه محکمه با نظر داشت صلاحیت قانونی خویش اگر به اظهارات اصحاب دعوی شک داشته باشد و یا جهت روشن شدن موضوع مدعی بها ضرورت احساس نماید می تواند از مراجع نیصلاح کسب معلومات نماید چنانچه در این باره ماده ۱۹۴ قانون اصول محاکمات مدنی احکام آتی را پیش بینی نموده است: "هر گاه محکمه به کشف بعضی حالات خاص قضایای مدنی ضرورت احساس نماید می تواند به اظهارات و دلایل طرفین اطمینان و در غیر آن در زمینه از مراجع مربوط بدون استرداد اوراق مطالب معلومات شود.

هنگذا تحریرات محکمه مکلف است بعد از وصول معلومات جهت روشن شدن مدعی بها و اظهارات مدعی و مدعی علیه سوابق قضیه را به هیات قضایی را ایه نمایند.

همچنین محکمه نمی تواند بدون ضرورت موجه اوراق قضایای مدنی را مسترد نماید. بر حسب ماده ۱۹۷ قانون اصول محاکمات مدنی محکمه نمی تواند سیر جریان و رسیدگی قضایای مدنی را بدون دلایل موجه معطل کند.

قابل یاد آور نیست نظر به ماده ۲۰۰ قانون اصول محاکمات مدنی مراحل محاکماتی قضایای مدنی با تعقیب طرف دعوی حد اکثر تا چهار ماه اكمال و حکم قضایی صادر می گردد.

مند مندرج این ماده قانون اصول محاکمات مدنی نظر به خصوصیت بعضی قضایا به اساس دلایل مستند و موجه تا یک ماه دیگر قابل تمدید می باشد.

با مطالعه متون قانونی فوق الذکر در اجراءات مقدماتی قضایای مدنی در محاکم به این نتیجه می رسیم که محاکم بعد از تسلیم شدن عراض اصحاب دعوی بر حسب وظایف قانونی خویش عراض وارده را واری می نموده و از تحقیقات همه جانبه پیرامون مدعی، مدعی علیه و موضوع دعوی (مدعی بها) با استفاده از صلاحیت قانونی خویش، با کسب معلومات موثق از مراجع نیصلاح و اهل خبره حقایق قضیه را درمی یابند. قضات با کسب این

معلومات و اطمینان خاطر از دریافتن حقایق مربوطه به قضیه تصمیم می گیرند تا بعد از شور قضایی عدالت بین اصحاب دعوی را تامین و از قانون شکنی جلوگیری نمایند.

منابع و ماخذ:

قانون اصول محاکمات مدنی

اصول محاکمات مدنی، گرد آورنده عصمت الله حیدری

راهنمای حقوق بشر برای قضات

اصول محاکمات مدنی، پوهنوال نصر الله ستانگزی

اصول در اداره ...

قسمت دوم

حالا بر میگردیم به اصولی که باید حین استخدام افراد در شغل عامه مد نظر گرفته شود.

۱- اصل برابری فرصت شغلی: از اینکه هر کس حق دارد با تساوای شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید و هر کس بتواند با تساوای فرصت و با اجرا خدمت رسانانه بدون در نظر داشت هیچ نوع ملاحظاتی دیگری به مدارج عالی ارتقا یابد، باید این اصل مد نظر گرفته شده شرایط مساعد شده همه شهر و ندان بطور یکسان بر ابر شود.

این اصل در ماده (۲۲) قانون اساسی چنین تسجیل شده است: " هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان، اعم از زن و مرد، در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی میباشند. " همچنین در فقره ۲ ماده ۱۰ قانون کار کتان خدمات ملکی آمده است: " هیچ گونه تبعیض در استخدام مامور و کارکن بر اساس جنسیت، قومیت، مذهب و معلولیت جسمانی مجاز نمی باشد. " بدین ترتیب می بینیم که در اعلامیه جهانی حقوق بشر این اصل در سطح جهان مدنظر گرفته شده است. چنانچه در بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده: " هر کس حق دارد با تساوای شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید. " همچنین در بند (ج) ماده (۷) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز " تساوای فرصت برای هر کس که بتواند در خدمت خود، به مدارج مناسب عالی ارتقا یابد، بدون در نظر گرفتن هیچ گونه ملاحظاتی دیگری جز طول خدمت و لیاقت" را به عنوان حق هر کس به به برخورداری از شرایط عادلانه مساعد کار به رسمیت شناخته است. بنابراین همه افراد باید با فرصت مساوی بدون در نظر داشت مسائل جنسیتی، قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی و مانند آن حق دست رسی به شغل عامه را داشته باشند.

۲- اصل حقوق مساوی برای کار مساوی: مرعات اصل حقوق مساوی برای کار مساوی عرض رفع تبعیض و از بین بردن نابرابری ها در بخش توزیع حقوق و امتیازات خیلی حیاس اهمیت میباشند.

ماده ششم قانون کار در زمینه چنین صراحت دارد: "(۱) - کارکنان در جمهوری افغانستان دارای حق مساوی کار با مزد مساوی می باشند.

حق کار با مزد و نفاذ از حق کار توسط اسناد تکنیکی تنظیم میگردد. (۲) کارکنان به اساس کمیت و کیفیت کار بار عایت بسست، رتبه یا درجه معینه مستحق در یافت مزد با اجزا و اوضاعی آن می باشند. " همچنین درین مورد در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدین شرح تذکر داده شده است: " همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی در یافت نمایند. " بدین سان ماده (۷) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار، با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز به عنوان حق هر کس تاکید می کند.

اما متأسفانه که این اصل در کشور ما در نظر گرفته نشده معاش های چند رقی در ادارات دولتی بنام های مختلف اجرا میشود. امیدوارم که در آینده های نه چندان دور این موضوع از طرف دولت مردان در نظر گرفته شده و در حال معقول و قانونی را برای حل این مشکل در یافت نمایند.

۳- اصل لیاقت و شایستگی: یک اداره باید این توانایی را داشته باشد که خیرگان را جذب نماید. البته جنب افراد باید روی تخصص، خلاقیت، پشت کار، اخلاق حسنه و لیاقت بوده کارکن در جرات و وظیفه از خود شایستگی نشان داده باشند. علاوه تا نظام اداری باید به گونه سازمانده شود که بتواند افراد نخبه و با تجربه به خویش را حفظ نماید. در رابطه به موضوع استخدام افراد که لیاقت و شایستگی داشته باشد در قانون کار کتان خدمات ملکی تذکر داده شده است.

چنانچه در ماده هفتم قانون کار کتان خدمات ملکی در بخش استخدام کارکنان در جمله شغل ای دیگر استخدام، داشتن لیاقت و شایستگی از جمله شرایط استخدام دانسته شده است.

دادن شغل و چوکی های دولتی برای افراد روی ملحوظات قومی، سمتی، زبانی، تنظیمی و مذهبی خلاف اصل شایسته سالاری بوده باعث آن میشود تا افراد نا کاره و نا شایسته در دستگاه دولتی حاکمیت داشته باشد.

۴- اصل حق وجود امنیت شغلی: شغل و کار افراد باید از تعرض مصنوعی باشند، افرادی که به کار استخدام میشوند نباید به بهانه های گوناگون ازین حق محروم شوند.

اگر افراد در کاریکه استخدام شده اطمینان از دوام وظیفه خود نداشته باشند و مقامات دولتی و یا به بهانه های مختلف سلب شغل نمایند این کار خلاف روحیه اصل حق وجود امنیت شغلی میباشد که این کار سبب نلسردی و گریز افراد از دستگاه دولتی می گردد. قانون کار کتان خدمات ملکی در ماده نهم خویش از مصونیت مامورین و کارکن فرار دانی بدین شرح تذکر داده است: " مامور و کارکن فرار دای، حین اجرای وظیفه دارای مصونیت های نلی می باشند.

۱- عدم محرومیت از حق کار بدون مجوز قانونی.

۲- حفظ کرامت انسانی، تامین مصونیت از آزار و انیت جسمانی، اخلاقی و روانی.

۳- تامین محیط مناسب و مصون کار.

۴- اصل تأمین رفاه کارکنان دولت: یک نظام اداری که افراد را استخدام میکند باید در جهت رفع نیاز مندی های کارکن خویش نیز توجه لازم را داشته باشد. زیرا عدم تأمین نیاز مندی کارکن زمینه فساد را مهیا میسازد. قانون کار کتان خدمات ملکی در فقره (۷) ماده هفدهم خویش از حق تأمین رفاه و صحت مطابق احکام مندرج مواد (۱۱۳) الی (۱۱۷) قانون کار تذکر داده است.

مچنان قانون منکدر در فقره (۱۰) ماده منکدر از حق تأمین اجتماعی طبق احکام مندرج مواد (۱۲۴) الی (۱۴۴) قانون کار نیز تذکر داده که از شرح بیشتر مواد قانون کار نسبت طوالت کلام خود داری می شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر در فقره ۳ ماده ۲۳ و کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۷ خویش نگاشته که به حق هر کس که خواستار شرایط منصفانه و رضایت بخش که زندگی او و خانواده اش را موافق شان است تأمین کنند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل حمایت اجتماعی تکمیل نماید تصریح می کند.

اصل حق دفاع از حقوق شغلی: دانشن شغل و دریافت مزد و امتیازات یک حق است. اما این حق باید تضمین شود و افراد و اشخاص باید این حق در دست داشته باشند تا ازین حق بنوانند دفاع کنند. ماده (۵۱) قانون اساسی در زمینه چنین صراحت دارد: " هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه نماید. " بدین ترتیب در ماده (۲۸) قانون کار کتان خدمات ملکی برای متضرر صلاحیت میدهد تا در صورت هر نوع تخطی شکایت نموده خواستار حق خود گردد. که این شکایات در مرحله اول توسط بوردر رسیدگی به شکایات خدمت ملکی و بعضی موارد شامل مندرج ماده منکدر توسط کمیسیون حل اختلافات اداره مربوطه، مورد رسیدگی قرار می گیرد. در صورت عدم قناعت به فیصله بوردر کمیسیون منکدر می تواند به محکمه مراجعه نماید. همچنان ازین حق در فقره ۳ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۸) کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل تصریح گردیده است. خلاصه در نظر گرفتن اصلهای ذکر شده در وجود آوردن یک نظام اداری سالم کمک می کند. در غیر این نمیتوان از داشتن یک اداره شفاف و سالم صحبت کرد.

منابع و ماخذ: قانون اساسی.

قانون کار کتان خدمات ملکی.

مفرد طرز سلوک کارکنان خدمات ملکی.

سرور دانش حقوق اداری افغانستان.

رهنورد انسیسکوتو ماکس پلانک برای حقوق اداری افغانستان.

قانون اساسی.

قانون کار کتان خدمات ملکی.

مفرد طرز سلوک کارکنان خدمات ملکی.

سرور دانش حقوق اداری افغانستان.

رهنورد انسیسکوتو ماکس پلانک برای حقوق اداری افغانستان.

اشخاص دارای...

عوامل معلولیت: معلولیت عوامل فسر او انسی دارد از جمله: جنگ، ماین ها بمباران متفر نشده، مدمات خوشه ای، حوادث طبیعی، فقر دانش، فقر اقتصادی، بی احتیاطی، اجرا نکردن به موقع واکسیناسیون، اثرات ترکیبی، امراض، ازدواج با اقرب نزدیک، استعمال مواد مخدر، خشونت های قلمی، سوء تغذی مادران و اطفال، ازدواج قبل و بعد از وقت تنهد حاملگی، استعمال خود سرانه دارو مواد سمی، عدم رعایت حفظ الصحه فردی و محیطی، عدم دست رسی به خدمات صحی همان گونه که در بالا ذکر شد یکی از عوامل مهم معلولیت جنگ و ماین گرا رها می باشند. برای اینکه بتوان از معلولیت جلوگیری کنیم باید عوامل وقوع آنرا دانست در اکثر نقاط جهان بیشتر عامل معلولیت ها به فقر ارتباط دارد. به طور مثال: در حالی که مادران در زمان حاملگی غذای کافی برای خوردن ندارند، کودکان ایشان اکثراً قبل از وقت با وزن کمتر از معمول تولد شده و احتمال گرفتاری این کودکان به قح دماغی که یک از خطرناک ترین معلولیت های معمول است بسیار زیاد می باشد. همچنان بعضی از نقایص و لایه به فقر غذایی نخستین ماهای حاملگی مادران ارتباط دارد. در حالی که کودکان و اطفال خورد سن غذای کافی برای خوردن ندارند مگروها زودتر به سطح خطر به آنها اسارت میکند. اسپول در یک کودک دارای وزن استاندارد یک مرخصی خفیف است ولی در یک کودک ضعیف که به سوی تغذیه دچار بوده است اکثر ا به ضیاع شدید و بعضاً به صدمات مغزی اوام به میرگی یا به قح دماغی منجر می گردد. حفظ الصحه ناکافی و شرایط زندگی مردم توام با فقر غذایی، احتمال شیوع امراض چون سل و معلولیت های ناشی از آن را بیشتر می سازد. پولیو اکثر ا به وسیله واکسین جلوه گیری شده می تواند لیکن پیشگیری مؤثر علاوه بر واکسین خوب، به مسایل بیشتر وابسته می باشد.

نسترسی های محیطی ترکیبی از ضروریات مهم اشخاص دارای معلولیت برای ادغام و تسوول در جامعه است امروز افغانستان در شرایط ساری و نوسازی قرار دارد باید ترتیبات لازم را برای تسوول استفاده از امکانات برای هموطنانش فراهم نموده تا معلولین بتوانند به مکاتب و مراکز آموزشی دسترسی حاصل کنند از علم و دانش مستفید شده و به خود کافی برسند. کارهای و کار گماری یکی از جانش های اساسی معلولین برای خود کافی است اگر فرصت های کاری مناسب و مساوی برای معلولین ایجاد گردد معلولین می توانند فعالیتها در آبادی وطن و خود کافی شسان سهم فعال بگیرند. تلاشهای هجانه توسط دولت، نهاد های ملی و بین المللی صورت گیرد تا در بهبود وضعیت زندگی شمولیت داشته شود. در زمینه های فرصت تحصیلی صحی و کاری ایجاد شود.

سرنامه های زیادی آگاهی دهی و دانش اوامی از حقوق اشخاص دارای معلولیت ایجاد شده است که میتوان از تشکیل واحد های حمایت و هماهنگی در نهاد های دولتی و کمپنه داد خواهی اشخاص دارای معلولیت متشکل از نهاد های مختلف معلولین نام برد. هماهنگی های لازم بین وزارتها و دیگر نهاد های داخلی و خارجی در عرصه معلولیت برای دانش اوامی و تسوول قوانین و سیاست های همه جانبه ضروری است و به طور خاص کمپان، کارگاه ها، سیمینار ها، میزگرد و انبوس، تلویزیونی و نشراتی برای آگاهی و تسوول کتو انبوس توسط دولت افغانستان صورت گیرد.

انواع معلولیت:

۱- معلولیت فیزیکی؛

۲- معلولیت روانی و عصبی؛

۳- معلولیت حسی (نابینایی و شنوایی)؛

۴- معلولیت مرکب (مانند شخصی که در حین زمانی که قطع عضو است هم نابینا هم سوختگی دارد)؛

فساد اداری ...

و هم چنین اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده اول خویش می گوید تمام افراد بشر از بد دنیا می آیند و از لحاظ جنیبت و حقوق با هم برابر اند همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برابری رفتار کنند. و هم چنین در ماده هفتم این اعلامیه تصریح گردیده است همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسنویه از حمایت قانون برخوردار شوند همه حق دارند در مقابل تبعیضی که ناقص اعلامیه ای حاضر باشد و بر علیه هر ترکی که بر این چنین تبعیضی به عمل آید به طور مساوی از حمایت قانون بهره مند شوند.

توجه گیری: مبارزه با فساد و الحرافات اجتماعی، یکی از اصول و اهداف اساسی دین مبین اسلام و قانون نافذ کشور است. پیامبران الهی و پیشوایان دین هم، در پیشبرد این امر مهم اهتمام جدی به خرج داده اند. از آنکه فساد در کشور ما ریشه عصبی تواینده است اما نیاز به یک مبارزه واقعی و جدی دارد، پس برای رهایی از فساد اداری در کشور باید راه های را جستجو کرد تا فساد از فرهنگ اداری و اجتماعی بیرون شود. اگر این موارد در نظر گرفته شود تاحدی میتوان در این مورد دست آورد های خوبی خواهد داشت. مبارزه جدی و تطبیق قانون یکسان بر همه اتباع کشور، اصلاحات و طریقت سازی در نهاد های علمی و قضایی، به مجازات کتینن مفسدین و مطبوعاتی کردن عملکرد مفسدین، آغاز مجازات در رده های بالا، دادن صلاحیت اجرایی برای اداره مبارزه با فساد، توازن در پرداخت معاشات کارکنان دولت با در نظر داشت نرخ روز، جلوگیری از تلمین روابط و ربط و شغوری ها در نهاد های دولتی و ایجاد مصونیت کاری برای کارکنان در ادارات دولتی را میتوان از جمله فاکتور های دانست که میتوان ما را در امر مبارزه با فساد اداری در کشور کمک خواهد کرد.

۳- آگاه ساختن مردم به قوانین و مقررات و حقوق شهروندی به هر اندازه ای که مردم از حقوق طبیعی و شهروندی شان معلومات داشته باشند به همان اندازه خویشرو میتوانیم به تأمین عدالت و حاکمیت قانون نسترسی بپردازیم. زیر فهمیدن موضوعات حقوقی ما را نور اندیش و با انضباط در جامعه بار می آورد، چون در اکثر موارد ندیده شده است که دست زدن اشخاص به فساد اداری از عدم آگاهی و نسبت به قانون و مقررات نافذ کشور می باشد. در این مورد وظیفه تمام شهروندان علمی مخصوص فارغین حقوق و شر عیات اند که با فهم حقوقی شان از قوانین نافذ کشور از طریق گرد همایی ها و نشست های گوناگون حقوقی و وجایب اتباع را برای مردم ابلاغ نمایند تا باشند فهم موادات قانون در جامعه همگانی شود و ما جامعه عاری از هر گونه بی عدالتی و قانون شکنی داشته باشیم.

۴- تطبیق قانون به صورت یکسان:

اصل مساوات و برابری یکی از اصول اساسی نظام های دموکراتیک در سطح جهان به حساب میروند. بخصوص این مساله زمانی در جامعه بشری مطرح شد که تبعیضات ناروا و زشتی بر جوامع انسانی حکم فرما بود و یک ملت بر ملت دیگر اظهار برتری می کرد و تفاوت در میان قبیله نشین و شهر نشین از بدبینی ترین مسائل اجتماعی محسوب می شد. در حالی که تمام انسانها در برابر قانون یکسان اند حال برای همه حلال و حرام برای همه حرام و هیچ نوع برتری و امتیازی در میان قبیله نشین و شهر نشین وجود ندارد زیرا رعایت فرایض بر همگان لازمی و مجاز آنها برای تمامی افراد تعیین شده اند. خویشاوندان در قانون اساسی کشور ما و سایر میثاق های بین المللی برابری و یا مساوات انسان ها در پیشگاه قانون به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. در ماده بیست و دوم قانون ارتشا و فساد اداری، قانون جزا رساله آموزشی فساد اداری از دیدگاه اسلام، اعلامیه جهانی حقوق بشر.



صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تحت نظر: هیئت تحریر
سر دبیر: در دانه فضائی
هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیز، دوست محمد عارف شفیق الله نبی زاده و محمد عارف صباح
دیزاینر: سید عابد مخمور sayed.abid@yahoo.com
گزارشگر: بشیر احمد عزیز
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی
آدرس اینترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoquqi@gmail.com
شماره تماس: 93+(6) 700 034 338 - 93+(6) 0752 042 275

برنامه آگاهی عامه حقوقی

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



روز سه شنبه مورخ ۹/سنبله سال ۱۳۹۵ تطبیق بر نامه آگاهی حقوقی از طرف اعضای مبلغین ساحوی آمریت آگاهی عامه حقوقی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه در لیسه عالی عبدالوکیل شهید واقع در الوسولی قره باغ کابل عملی گردید. در ابتدا محترم سرانوال محمد خاتجان "شیرزاد" یک تن از اعضای مبلغین ساحوی، وظایف و مسوولیت ریاست های مربوط وزارت عدلیه را به خصوص آمریت های آگاهی عامه و آمریت مساعدت های حقوقی را به شکل مفصل آن برای اشتراک کنندگان به معرفی گرفت. تمام اشتراک کنندگان شاگردان صنوف ۱۲* بودند که تعداد مجموعی شان به ۱۵۰* تن میرسد. بعدا پیرامون موضوعات چون، حقوق اساسی و وجایب اتباع، حقوق مظنون و متهم، حقوق طفل، منع خشونت علیه زنان توسط محترم مان هر یک

تبع و نظرمین الله خدیجه امین اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد. اما چیزی که قابل نعت است اینکه آیا شهروندان حتما ملزم به ارائه معلومات هستند یا خیر؟ پاسخ درین باره منفی است. چون طرفین حق سکوت را دارند.

اگر یکی از طرفین درک کند که اگر اینه معلومات به اذاره ه بوی ضرر می رساند میتواند سکوت کند. اداره نمیتواند اخذ معلومات متذکره را بوی تحمیل کند. اما اداره ه حق دارد در خواست وی را رد نماید، چرا که وی اطلاعات کافی را در اختیار اداره قرار نداده است. ادامه در ص ۳.

اصول در اداره و استخدام

لسمت دوم

اصل تحقیق و بررسی: بررسی و تحقیق غرض دریافت حقایق ضمن ضروری بوده برای اداره صلاحیت میدهد تا در مورد قضایا تحقیق نموده حقایق را جمع آوری و آنچه به نفع شهروندان است، مورد ملاحظه قرار داده اجراءات قانونی را امری بدارد. برای درک حقایق باید از توشیوه تحقیق استفاده گردد، خصوصاً برای تحقیق اداری. اول- اینکه چگونه و تا کدام حد در بازه حقایق یک قضیه تحقیق و بررسی شود. دوم- اینکه شهروندان باید برای تکمیل تحقیق و درک حقایق با اداره کمک و همکاری نمایند. در رابطه به موضوعات فوق الذکر فقره اول و دوم ماده (۵۰) قانون اساسی چنین صراحت دارد: "تولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم را اتخاذ نماید. اداره اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی میسازد."

تبع و نظرمین الله خدیجه امین اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد. اما چیزی که قابل نعت است اینکه آیا شهروندان حتما ملزم به ارائه معلومات هستند یا خیر؟ پاسخ درین باره منفی است. چون طرفین حق سکوت را دارند.

برنامه آگاهی عامه حقوقی

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



برنامه آگاهی دهی حقوقی در لیسه عالی فامیل های ریشخور مربوط ناحیه هفتم شهر کابل تطبیق گردید. این برنامه از طرف ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه دایر گردیده بود بر نامه مذکور توسط اعضای مبلغین ساحوی قبل ماهانگی و به تاریخ ۱۶/۹/۱۳۹۵ تطبیق گردید در این برنامه آگاهی دهی حقوقی موضوعات چون منع خشونت علیه زنان، حقوق اساسی و وجایب اتباع، حقوق مظنون و متهم، حقوق طفل توسط محترم مان هر یک محمدناصر، محمد حبیب عرفانی، نجیب الحق، سران خان جان، محمد کاظم عرفانی، سیدمختار سماع تدریس گردید. شاملین بر نامه مذکور صنوف ۱۲* تشکیل میداد اعضای تیم مذکور مطابق پلان مطروحه ای شان به چهار گروپ تقسیم گردیدند و هر گروپ روی یک موضوع فوق الذکر صحبت نمودند. هدف از تطبیق بر نامه مذکور بلند بر دن سطح آگاهی حقوقی شاگردان و هم ارائه یک سری معلومات حقوقی و قانونی مطابق به احکام شریعت میباشد.

فلسه اداری پندیده منظور جامعه

فلسه دوم

۲- ترویج فرهنگ و وظیفه شناسی و وجدان کاری در متون دینی وقتی صحبت از حق انسانها می شود بحث از حقوقی است که انسانهای دیگر بر ما دارند و به عیبارت دیگر مسوولیتی که ما در قبال دیگران داریم. البته این حقوق طرفین است که ما نیز این حقوق را بر عهده دیگران داریم؛ اصصو لا دینداری بنون مسوولیت پذیری و تعهد معنایی ندارد. در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسوولیت پذیری و وظیفه شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ و پرورندگان متعالی می فرماید: «ولا تزورا و از زور و آخری... ترجمه هیچ گناهکاری باز نگاه دیگری را بر دوش نمی کشد. در این آیه «وزر» به معنی سنگین است و در برخی از تفسیر به معنای «گناه» و «مسوولیت» نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می شود که بار سنگین مسوولیت را احدى خود انسان بر دوش نمی کشد و در روز رستاخیز هر کس مسوولیت پاسخگویی به اصل خویش است و ابعاد این پاسخگویی به قدری وسیع است که حتی اعضاء و جوارح انسان را نیز در بر می گیرد. و در جای دیگری از قرآن کریم پروردگار متعال می فرماید: «ولا تقف ما لیس لک به علم الا السمع و البصر و القواد کل اولئک کان غنه منسونا لا ترجمه و از آنچه نمی دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش و چشم و دلها همه مسوولند. چون در دین مبین اسلام مسوولیت پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که حضرت علی (رض) بارها پیروان خود را به تقوی در قبال مسوولتیهایی که بر دوش گرفته اند سفارش کرده و حتی آنان را در مقابل زمین و سحر انبات نیز مسوول دانسته و می فرماید: از خدا نسبت به بندگان و شهر هایش پروا کنید زیرا دارای مسوولیت هستید حتی نسبت به زن و میثاق و امانت. و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید. البته روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد که به دلیل محدودیت دامنه بحث از ذکر آن خودناری می کنیم. ادامه در ص ۳/

اشخاص دارای معلولیت

لسمت دوم

وضعیت اجتماعی اشخاص دارای معلولیت: اشخاص دارای معلولیت با آنکه محدودیت های فیزیکی و معنایی دارند آنها مسوول اعانه و سرپرستی خانواده های شان هستند ولی آنها از بسا امتیازات مدنی برخوردار نیستند. مثلا: سو اد ابتدایی دولت تاخوژ نون لسته است زمینه های تدریس اشخاص دارای معلولیت را در مکاتب فراهم سازد خصوصاً برای نابینایان (روشنلان) و اشخاص با محدودیتهای گفتاری و شنوایی. در زمینه اقتصاد اکثر معلولین بیکار بوده در آمد ماهوار ندارند، معلولیت ایشان باعث عدم اشتغال در کار می باشد. علاوه بر این از فرهنگ سو اد ادب ناپسند اجتماعی و خشونت های لفظی از جانب افراد اجتماع و خشونت های خانوادگی نیز رنج می بردن آنها از طرف افراد اجتماع شان. مورد توهین، تحقیر و طعنه های ناشایسته قرار می گیرند. در عرصه صحت و باز توانی از خدمات مناسب صحی دولتی مستفید نمی باشند تعداد زیاد آنها با مصارف شخصی خود را ندای می نمایند. زنان دارای معلولیت تبعیض های اجتماعی رنج می بردن، اشخاص بهره وری آنها از حق اشتغال، سو اد از نواج، محصور در مسهم گیری در امور مدنی و سیاسی به مقایسه مردان دارای معلولیت پایین است. اشخاص دارای معلولیت در مجموع در وضعیت بد زندگی قرار دارند از این رو اشخاص دارای معلولیت فارغ از هر نوع معلولیت، علت معلولیت، جنسیت و سن شان باید مورد توجه جدی دولت بر مینا و اساس حقوق بشری قرار گیرد. مشکل اشخاص دارای معلولیت تنها مشکل شخصی معلولین نیست بلکه فامیل و اجتماع نیز مستحق پذیرش شده که نتایج منفی در زمینه های مختلف اجتماعی، تعلیمی، فرهنگی، اقتصادی و کارایی به وجود آورده است. با توجه به شرایط فعلی که کشور به سوی باز سازی و نوسازی پیش روی رود ضرورت بوی تدریس

تبع و نظرمین الله خدیجه امین اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد. اما چیزی که قابل نعت است اینکه آیا شهروندان حتما ملزم به ارائه معلومات هستند یا خیر؟ پاسخ درین باره منفی است. چون طرفین حق سکوت را دارند.